

## اثرات آرایش کاشت و تراکم بوته بر عملکرد و اجزای عملکرد برج در اصفهان

محمد رجب زاده و آقا فخر میرلوحی\*

جهت تعیین تراکم مطلوب برج آزمایشی در سال ۱۳۷۴ در قالب طرح بلوک‌های کامل تصادفی با چهار تکرار به مرحله اجرا در آمد. رقم "زانده‌رود" در فواصل ردیف ۱۵، ۲۵ و ۳۵ سانتیمتر و فواصل کپه در روی ردیف ۱۰، ۱۵ و ۲۰ سانتیمتر، به صورت نشاکاری، با ۳ نشا در هر کپه کشت گردید. میانگین ارتفاع بوته‌ها، تنها در مراحل خوش دهی و گرده‌افشانی به طور معنی‌داری تحت تأثیر فاصله ردیف قرار گرفت و در هر دو مرحله، بیشترین ارتفاع در فاصله ردیفهای کمتر دیده شد. آرایش فاصله ردیف کاشت موجب تأخیر و طولانی‌تر شدن دوره خوش‌دهی و گرده‌افشانی گردید که این امر نیز موجب پرخورد دوره پر شدن دانه‌ها با شرایط جوی نامساعد آخر قصل رشد گردید. آرایش فاصله ردیف، اگر چه باعث افزایش معنی‌داری در قدرت پنجه‌زنی شد، اما تعداد پنجه در واحد سطح را به طور معنی‌داری کاهش داد. کاهش فاصله ردیف باعث محدودیت رشد روشی پس از مرحله گرده‌افشانی شد و در نتیجه سرعت رشد خوش و نسبت وزن خشک خوش به وزن خشک کل اندام هوابی افزایش معنی‌داری یافت. با کاهش فاصله ردیف، بدون تغییر در وزن هزار دانه و درصد دانه‌های کامل در هر خوش، تعداد خوش در واحد سطح به طور معنی‌دار افزایش و در مقابل، تعداد دانه در هر خوش کاهش یافت. در فاصله ردیفهای بیشتر، اگر چه عملکرد در واحد گیاه بالاتر بود و شاخص برداشت افزایش یافت، اما به دلیل کافی نبودن تعداد بوته در واحد سطح، محصول کمتری تولید شد. اثر فاصله کپه بر روی اکثر صفات مورد بررسی از لحاظ آماری معنی‌دار نبود. نتایج استفاده از روش رگرسیون مرحله‌ای و بررسی ضرایب مسیر نشان داد که تعداد خوش در واحد سطح، نقش اول را در تعیین عملکرد ایفا می‌کند. حد اکثر عملکرد با آرایش کاشت ۱۵ × ۱۵ سانتیمتر به دست آمد، که به نظر می‌رسد می‌تواند در مناطق برجکاری استان اصفهان توصیه گردد.

واژه‌های کلیدی - آرایش کاشت، تراکم بوته، فاصله ردیف، فاصله کپه

### مقدمه

یابد تا بتواند پاسخگوی نیاز بیش از ۴ میلیارد نفر باشد (۱۸). چنین افزایشی مستلزم توسعه برنامه‌های اصلاحی و اعمال مدیریتهای زراعی صحیح است. یکی از روش‌های افزایش عملکرد از طریق مدیریتهای زراعی، دستیابی به تراکمی از بوته در واحد سطح است که در نتیجه آن تمامی عوامل محیطی مورد

افزایش جمعیت خصوصاً در کشورهای آسیایی، افزایش تولید و درآمد، آسانی پخت و سالم بودن برج به عنوان یک غذا، باعث افزایش مصرف سرانه این محصول در بیشتر کشورها گردیده است (۱۸ و ۵). با روند فعلی افزایش جمعیت و مصرف برج، تا سال ۲۰۲۰ تولید برج باید حداقل ۶۰ درصد افزایش

\* به ترتیب دانشجوی سابق کارشناسی ارشد و استادیار گروه زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

تنظيم تراکم برنج در روش نشاکاری، با تغییر فواصل نشا و همچنین تغییر تعداد نشا در هر کپه صورت می‌گیرد. در فواصل زیاد، به علت فقدان تعداد گیاه کافی در واحد سطح زمین، حصول حداکثر عملکرد امکان پذیر نمی‌باشد. فاگاد و داتا (۱۵) نشان دادند که با فواصل بیش از  $۲۰\times۲۰$  سانتیمتر، در هیچ شرایطی نمی‌توان شاخص سطح برگ کافی را جهت حصول حداکثر عملکرد به دست آورد. همچنین گزارش شده است که فواصل نزدیک، امکان دستیابی به شاخص سطح برگ مورد نیاز را در زمان کوتاهتری امکان پذیر می‌سازد (۲۰). در همین زمینه باقری (۱) و شرفی و کاووسی (۷) نیز ضمن بررسی تراکمهای مختلف نشان دادند که دستیابی به عملکردهای مطلوب تنها در نتیجه اعمال تراکمهای کمتر از  $۲۰\times۲۰$  سانتیمتر امکان پذیر است.

چنانچه کاهش فواصل در دو جهت، بین ردیف و بین بوته‌ها در یک ردیف، صورت پذیرد و به کشت مریعی نزدیک شود، موجب توزیع یکنواخت تر و بهره برداری بیشتر از امکانات محیطی می‌گردد. در چنین شرایطی اگر چه عملکرد تک بوته کاهش می‌یابد ولی در مجموع باعث افزایش عملکرد در واحد سطح می‌شود (۲۰ و ۱۴). از طرف دیگر، فواصل خیلی نزدیک و کمتر از حد لزوم موجب افزایش هزینه نشاکاری و احتمال خوابیدگی خواهد شد (۲۱). افزایش هزینه نشاکاری و سود اقتصادی ناشی از افزایش تراکم، دو عامل مؤثر در تولید برنج به روش کشت نشاکاری بوده و در واقع نقطه بازده نزولی منحنی تراکم - عملکرد تعیین کننده تراکم مطلوب اقتصادی خواهد بود. پروایز و همکاران (۲۶)، با استفاده از آمار چندساله در پاکستان، نشان دادند که کاهش فواصل کاشت از  $۳۰\times۳۰$  به  $۲۰\times۲۰$  سانتیمتر، اگر چه موجب دو برابر شدن هزینه تولید می‌شود و لیکن افزایش عملکرد آن را جبران نموده و باعث افزایش بازده اقتصادی می‌گردد.

هدف از انجام این آزمایش بررسی اثرات تراکم بوته و آرایش کاشت بر رشد و عملکرد برنج، تحت شرایط غرقابی و تعیین فاصله و آرایش کاشت مناسب جهت

استفاده کامل قرار گرفته، در عین حال رقابت‌های درون و برونو بوته‌ای در حداقل باشد و از طرف دیگر چنین تراکمی بتواند فضای کافی برای انجام عملیات زراعی و دسترسی به یک کیفیت بالا را تأمین نماید (۳). در مورد برنج نیز، همچون سایر محصولات زراعی، تعیین تراکم مطلوب به عنوان یک عامل محدود کننده عملکرد همیشه مدنظر محققین و تولید کنندگان برنج بوده است. اثرات فاصله نشا و آرایش کاشت بر عملکرد، بیشتر در کشورهای برنج خیز آسیایی و تأثیر تراکم بوته در روش کشت مستقیم و غیر غرقابی، غالباً در کشورهای برنجکار غیرآسیایی مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است. به علت تنوع در روشهای خزانه‌گیری و کشت، نتایج بسیار متنوع و چه بسا متناقضی توسط محققین ارائه شده است. با این وجود بیشتر نتایج حاکی از آن است که معمولاً بین تراکم نهایی بوته و عملکرد رابطه ضعیفی دیده می‌شود (۲۵)، که علت اصلی آن خاصیت جبرانی اجزای عملکرد است (۱۳). اجزای عملکرد شدیداً تحت تأثیر تراکم و آرایش کاشت قرار گرفته (۶)، با یکدیگر ارتباط متقابل دارند، به طوری که تغییر هر یک موجب تغییر اجزای دیگر می‌گردد. در نتیجه چنین تعادلی است که معمولاً در طیف وسیعی از تراکمهای، تغییرات چندانی در عملکرد دیده نمی‌شود (۲۱). نتایج آزمایش‌های عابدی (۸)، محمدی (۹) و حسینی (۲) نیز مؤید همین مطلب است. خاصیت جبرانی و موازنۀ اجزای عملکرد در تمام روشهای کشت و تولید برنج صادق است (۱۷). با این حال در خصوص ارتباط عملکرد برنج با تراکم، چنین بر می‌آید که چنانچه پتانسیل تولیدی محیط به علت کمبود آب، شیوع بیماریها، ابری بودن آسمان و یا سایر عوامل محیطی در حد پایینی باشد و یا تراکمهای بالا موجب رقابت شدید بین بوته‌ها، خوابیدگی و ایجاد تشنهایی مثل کمبود نیتروژن گردد، منحنی سهمی شکلی رابطه بین عملکرد و تراکم را توجیه می‌کند (۱۵، ۱۳ و ۱۰). در شرایطی که پتانسیل تولید محیط مناسب و تشنهای محیطی وجود نداشته باشد یک منحنی مجانب توجیه گر رابطه عملکرد با تراکم است (۱۷ و ۲۵).

دستیابی به عملکرد مطلوب در اصفهان بود.

### مواد و روشها

قرار گرفت. نمونه برداریها از اول مردادماه، همزمان، با شروع رشد پس از نشاکاری، از خطوط مشخص شده و در هر بار از مساحتی معادل ۳/۰ مترمربع، با رعایت حاشیه بین نمونه برداریها انجام گرفت. صفات مورد بررسی و اندازه‌گیری عبارت بود از: تعداد روز از نشاکاری تا ۵۰٪ خوش‌دهی، گرده افشاری و رسیدگی فیزیولوژیک، ارتفاع، اجزای عملکرد (تعداد خوش‌ده در واحد سطح، تعداد دانه در خوش‌ده، درصد دانه کامل در هر خوش‌ده و وزن هزار دانه، وزن خشک خوش‌ده و عملکرد بیولوژیک در واحد سطح، نسبت وزن خشک خوش‌ده به عملکرد بیولوژیک، متوسط سرعت رشد خوش‌ده، شاخص برداشت و عملکرد دانه). همچنین ضرایب مسیر مطابق روش ولک و همکاران (۲۸) تعیین شد. لازم به تذکر است که اجرای آزمایش، انتخاب صفات مورد بررسی و روش اندازه‌گیری آنها تا حدامکان مطابق با پیشنهادها و اصول ارائه شده توسط IRRI (۱۹ و ۲۳) انجام گردید.

### نتایج و بحث

گیاهان در فاصله ردیف ۱۵ سانتیمتر، در مراحل شروع خوش‌دهی و گرده افشاری سریعتر از سایر تیمارها به حداقل ارتفاع خود رسیدند، که به نظر می‌رسد ناشی از رقابت بیشتر بوته‌ها برای نور باشد. از آن به بعد نیز افزایش ارتفاع در آنها بسیار تاچیز بود. در حالی که در فاصله ردیف ۳۵ سانتیمتر، گیاهان رسیده و پس از مرحله خوش‌دهی نیز به علت دسترسی بیشتر به امکانات محیطی افزایش ارتفاع قابل ملاحظه‌ای داشتند. لذا عقب ماندگی خود را جبران نموده، نهایتاً در زمان برداشت ارتفاعی مشابه با سایر تیمارها داشتند (جدول ۱). این نتایج با مطالعات ساین (۲۷)، که بین ارتفاع نهایی بوته‌ها در فاصله ردیفهای ۵ تا ۱۵ سانتیمتر تفاوت معنی‌داری مشاهده نکرد، مطابقت دارد. همراه با افزایش فاصله ردیف از ۱۵ به ۳۵ سانتیمتر و کاهش تراکم، روز تا خوش‌دهی افزایش و درصد رسیدگی خوش‌دها در

این پژوهش در سال زراعی ۱۳۷۴ در مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان، واقع در لورک شهرستان نجف آباد، با میانگین دراز مدت بارندگی ۱۴۰ میلیمتر و درجه حرارت سالیانه ۱۴/۵ درجه سانتیگراد انجام شد. بافت خاک مزرعه، لومی رسی با جرم مخصوص ظاهری ۱/۴ گرم بر سانتیمتر مکعب و تا عمق ۳۰ سانتیمتری دارای اسیدیته ۷/۸، هدایت الکتریکی عصارة اشباع ۱/۶ دسی زیمنس برمتر، ۳۲/۸ قسمت در میلیون فسفر و ۱۲/۰٪ آزت بود.

آزمایش به صورت فاکتوریل، در قالب طرح پایه بلوک‌های کامل تصادفی و در چهار تکرار به مرحله اجرا درآمد. فاکتورهای آزمایشی شامل سه فاصله ردیف ۱۵، ۲۵ و ۳۵ سانتیمتر و سه فاصله کپه در ردیف ۱۰، ۱۵ و ۲۰ سانتیمتر بود. کاشت به صورت نشاکاری، با ۳ نشا در هر کپه و در حالت غرقابی انجام شد. جهت ایجاد شرایط یکنواخت و حذف تأثیر حاشیه‌ای، در فواصل ردیف ۱۵، ۲۵ و ۳۵ سانتیمتر به ترتیب ۱۵، ۹ و ۷ خط کاشت به طول ۱۰ متر در نظر گرفته شد. بین هر دو تیمار ۵۰ سانتیمتر فضای نکاشت منظور گردید. در هر تیمار بسته با فاصله ردیف، ۲ تا ۳ خط کاشت به عنوان خطوط نمونه برداری طی فصل و ۱۰ متر مربع جهت برداشت نهایی با رعایت حاشیه مشخص گردید. رقم "زاینده رود"، معرفی شده به وسیله مرکز تحقیقات استان اصفهان، در هفته سوم اردیبهشت ماه خزانه‌گیری و نشاها در هفته آخر خرداد در مرحله ۳ تا ۴ برگی به زمین اصلی منتقل شد. خزانه‌گیری و تهیه زمین اصلی، مطابق روش معمول برنجکاران اصفهان انجام گردید. کوددهی، ۴ هفته پس از نشاکاری، به مقدار ۱۰۰ کیلوگرم در هکتار کود اوره و به طور دستپاš صورت گرفت. به منظور کنترل شیمیایی علفهای هرز، علفکش انتخابی برنج، ساترن<sup>۱</sup> به میزان ۱۰ لیتر در هکتار و در زمان ۲ تا ۳ برگچه‌ای بودن علفهای هرز مورد استفاده

۱-[S-(4-chlorobenzyl)-N,N-diethylthiocarbamate]

جدول ۱ - تأثیر عوامل آزمایشی بر ارتفاع (سانتیمتر) در مراحل مختلف رشد، تعداد روز

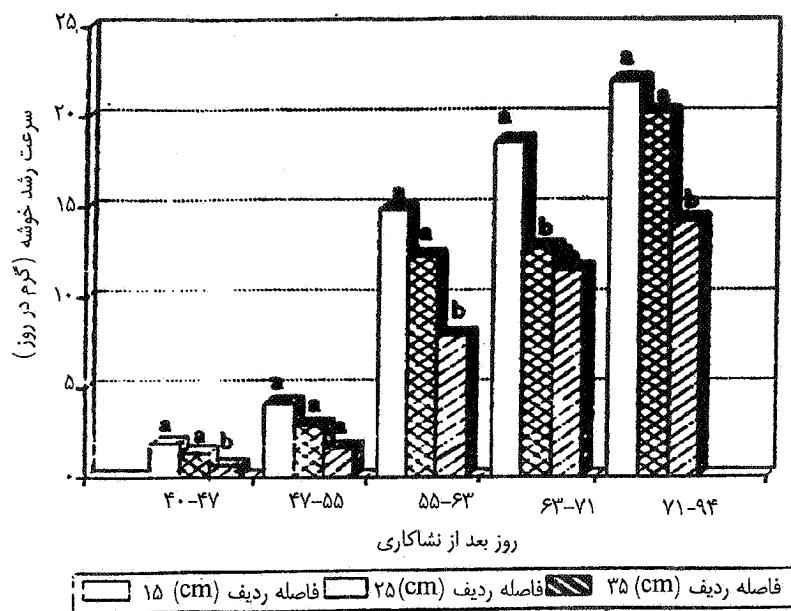
تا ۵۰٪ خوشه دهی و درصد رسیدگی هنگام برداشت

تعداد روز تا ۵۰٪ درصد رسیدگی	خوشه دهی	برداشت	ارتفاع (سانتیمتر)		عوامل آزمایشی
			شروع خوشه دهی	گرده افشاری	
فاصله ردیف (سانتیمتر)					
۹۸/۸a	۵۸/۳b	۱۲۹/۲a	۱۲۵/۰a	۸۸/۵a	۱۵
۸۹/۱ab	۵۹/۱b	۱۳۳/۷a	۱۲۲/۰ab	۸۳/۰b	۲۵
۸۱/۶b	۶۱/۵a	۱۳۰/۰a	۱۱۶/۰b	۸۱/۸b	۳۵
فاصله کپه (سانتیمتر)					
۹۵/۱a	۵۸/۷b	۱۲۸/۰a	۱۲۲/۰a	۸۵/۵a	۱۰
۸۴/۹b	۶۰/۰a	۱۳۱/۷a	۱۱۹/۷a	۸۳/۷a	۱۵
۸۰/۵b	۶۰/۱a	۱۳۳/۱a	۱۲۱/۹a	۸۴/۰a	۲۰

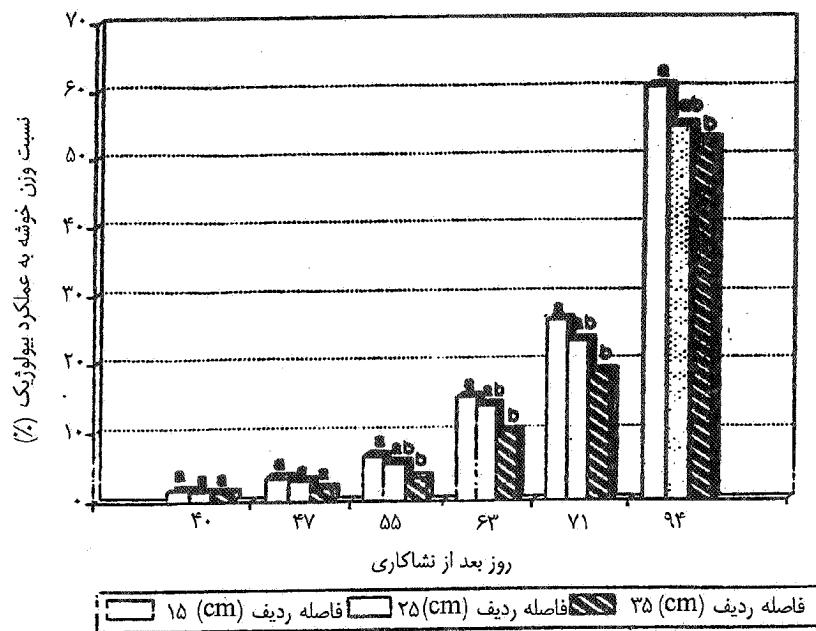
اعداد هر گروه در هر ستون که حداقل در یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت آماری براساس آزمون دانکن در سطح احتمال ۵ درصد می باشند.

همچنین دیده شد که تعداد پنجه در هر کپه، در فاصله زمانی بین ۷۱ روز پس از نشاكاری تا برداشت، در فاصله ردیف ۳۵ سانتیمتر ۱۵ درصد و در فاصله کپه ۱۵ و ۲۰ سانتیمتر به ترتیب ۸ و ۱۳/۹ درصد کاهش یافت. به نظر می رسد که افزایش فاصله کاشت از دو جهت موجب کاهش تعداد پنجه در واحد سطح شد: اول، کافی نبودن تعداد گیاه در واحد سطح و دوم مرگ و میر تعدادی از پنجه ها به علت رقابت درون بوته ای و محدودیت امکانات محیطی و در مجموع عدم توانایی گیاه در حمایت از پنجه های تولید شده، در عین حالی که افزایش فاصله کاشت موجب افزایش قدرت پنجه دهی در هر گیاه گردید (جدول ۲). در تمامی مراحل رشد فاصله ردیفهای ۱۵ و ۳۵ سانتیمتر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین مقادیر سرعت رشد خوشه (شکل ۱) و نسبت وزن خشک خوشه به عملکرد بیولوژیک بود (شکل ۲). این مطلب بیانگر آن است که در فواصل ردیف بیشتر، قسمت عمده ای از کربوهیدراتات تولید شده در هر کپه صرف تولید اجزای رویشی می گردد. در حالی که در فواصل ردیف نزدیک تر، به علت رقابت بیشتر بین گیاهان، رشد رویشی محدود شده (که با کاهش تعداد پنجه در هر کپه همراه بود) و کربوهیدراتات بیشتری به سمت اجزای زایشی هدایت می شود.

زمان برداشت کاهش یافت (جدول ۱). به نظر می رسد در فاصله ردیفهای کمتر و تراکمهای بیشتر، رشد رویشی در هر کپه تحت کنترل رقابت بین بوته ها و امکانات محیطی بوده و به همین جهت تقریباً در حد معینی متوقف شده است. در حالی که در فاصله ردیفهای بیشتر، به علت رقابت ناچیز بین بوته ها، رشد رویشی همچنان ادامه داشت و موجب تأخیر در خوشه دهی شد. چنین حالتی در تراکمهای کمتر موجب افزایش پنجه های ثانویه، که خود باعث غیریکنواختی رسیدگی (۱۷) و طولانی تر شدن دوره خوشه دهی است، و همچنین برخورد دوره پر شدن دانه ها با شرایط نامساعد آخر فصل رشد، خصوصاً دماهای حداقل شهریور ماه (با متوسط ۱۶/۲ درجه سانتیگراد) و وزش بادهای شدید گردید و در نتیجه موجب کاهش درصد رسیدگی خوشه ها در زمان برداشت شد. همبستگی منفی و معنی دار روز تا خوشه دهی با درصد رسیدگی خوشه ( $-0/50 = 2$ ) نیز مؤید همین امر است. ولزوفا (۲۹) نیز نتایج مشابهی در زمینه اثرات رشد رویشی زیاد قبل از گرده افشاری گزارش کرده اند. اثرات فاصله کپه نیز روندی مشابه با تأثیر فاصله ردیف داشت. با افزایش فاصله ردیف و فاصله کپه، تعداد پنجه در واحد سطح به ترتیب ۳۵ و ۲۲ درصد کاهش یافت (جدول ۲).



شکل ۱- مقایسه سرعت رشد خوشه در فواصل کاشت مختلف و در مراحل مختلف رشد



شکل ۲- مقایسه نسبت وزن خشک خوشه به وزن خشک اندام هوائی در فواصل کاشت مختلف و در مراحل مختلف رشد

نهایتاً عملکرد بیشتر گردد. این نتایج با یافته‌های گیلمور (۱۶) و آکاری و همکاران (۱۰) مطابقت دارد. در این مورد نیز تأثیر فواصل کم در ردیف مشابه با اثرات فاصله ردیف بود. افزایش فاصله کاشت موجب کاهش تعداد خوشه در واحد

همبستگی مثبت و معنی‌دار عملکرد بیولوژیک با سرعت رشد خوشه در زمان گرده افسانی ( $r = 0.49$ ) نیز حاکی از آن است که عملکرد بیولوژیک بیشتر در این زمان، که نتیجه تمامی فعالیتهای گیاهی است، می‌تواند موجب افزایش رشد خوشه و

از بین اجزای عملکرد، تعداد خوشه در واحد سطح تأثیر بیشتری در توضیح و تفسیر تغییرات عملکرد داشته است ( $28/9 = ۲۴$ ). تعداد دانه در خوشه، درصد دانه‌های کامل در خوشه و وزن هزار دانه پس از آن به ترتیب وارد مدل رگرسیونی شدند. مجموعه اجزای عملکرد ۷۵ درصد از تغییرات عملکرد را ترجیه کرد. میلر و همکاران (۲۵) نیز نتایج مشابهی به دست آورده‌اند. ضرایب مسیر بین اجزای عملکرد و عملکرد نیز حاکی از آن بود که تعداد خوشه در واحد سطح مهمترین عاملی است که می‌تواند به طور مستقیم موجب افزایش عملکرد شود ( $p=0/۸۹$ ). تعداد دانه در خوشه، بعد از تعداد خوشه در واحد سطح، بیشترین تأثیر مستقیم را در عملکرد دانه داشت ( $p=0/۶۹$ ). با این وجود، تعداد خوشه با تأثیر غیرمستقیم و منفی خود بر روی تعداد دانه در خوشه ( $-0/۴۵ = ۲۱$ )، موجب شده است که ضریب همبستگی بین عملکرد دانه و تعداد دانه در خوشه ( $-0/۰۴ = ۲$ ) نتواند تأثیر واقعی تعداد دانه در خوشه را بر عملکرد دانه نمایان سازد. ولزو فاو (۲۹) نیز در آزمایش خود همبستگی معنی‌داری بین عملکرد دانه و تعداد دانه در خوشه مشاهده نکرده‌اند. چاوی و ریچاریا (۱۲) نیز گزارش کرده‌اند که همبستگی مثبت یک صفت با عملکرد، الزاماً به معنی اثر مستقیم و مثبت آن صفت بر عملکرد نمی‌باشد.

با توجه به آرایش کاشتهاي مورد استفاده، مشخص شد که فاصله ردیف ۱۵ سانتیمتر همراه با فواصل کپه در ردیف ۱۰ و ۲۰ سانتیمتر، نسبت به سایر آرایش کاشتها به حالت کشت مریعی و توزیع یکنواخت تر گیاهان در واحد سطح نزدیک‌تر بوده و موجب بهره‌برداری بیشتر از امکانات محیطی و به حداقل رساندن رقابت‌های درون و برون بوته‌ای گردیده است. همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود، اگر چه در چنین حالتی عملکرد هر کپه و شاخص برداشت کاهش می‌یابد، اما در مجموع موجب افزایش عملکرد در واحد سطح می‌شود. نتایج مطالعات کنتر و همکاران (۱۴) و جانسون و همکاران

سطح و افزایش تعداد دانه در خوشه شد (جدول ۳). این امر بیانگر وجود اثر جبرانی تعداد خوشه در واحد سطح بر روی تعداد دانه در خوشه است. احتمالاً کاهش رقابت بین بوته‌ها و همچنین تعداد روز بیشتر تا زمان خوشه‌دهی، از عواملی بودند که باعث افزایش تعداد دانه در خوشه در تیمارهایی با فاصله کاشت بیشتر شدند. همبستگی مثبت و معنی دار بین تعداد روز تا خوشه‌دهی با تعداد دانه در خوشه ( $0/۶۵ = ۲$ ) و همچنین نتایج آزمایش جنز و همکاران (۲۲) نیز بیانگر همین مطلب است. درصد دانه‌های کامل به طور معنی‌دار تحت تأثیر فاصله ردیف کاشت قرار نگرفت (جدول ۳). احتمالاً کاهش تعداد دانه در خوشه به علت افزایش تعداد خوشه، موجب گردیده است که ساقه اصلی و پنجه‌های آن توانایی بیشتری برای حمایت از دانه‌های موجود داشته، نهایتاً درصد دانه‌های کامل تغییری پیدا نکند. چنین حالتی در نتایج آزمایش‌های دیگر نیز دیده می‌شود (۲۸، ۲۵ و ۱۷). با این وجود روند عمومی تیمارها نشان می‌دهد که افزایش فاصله کاشت موجب کاهش جزئی درصد دانه‌های کامل در هر خوشه شده است. علت چنین روندی احتمالاً عدم توانایی گیاه در حمایت از تعداد دانه زیادتری است که در تراکم‌های کمتر حاصل می‌شود. به نظر می‌رسد سرعت رشد خوشه در فاصله زمانی خوشه‌دهی تا گرده افسانی که همبستگی مثبت و معنی‌دار ( $0/۴۴ = ۲$ ) با درصد دانه‌های کامل داشت و همچنین دماهای حداقل مرداد ماه (با متوسط  $۳۷/۳$  درجه سانتیگراد)، که با دوره تقسیمات میوزی دانه‌های گرده برخورده که از جمله عوامل مؤثر در تعیین درصد دانه‌های کامل در هر خوشه بودند (۱۱ و ۲۴). وجود تعداد دانه بیشتر در هر خوشه در فواصل کاشت زیاد، موجب تخصیص مواد فتوستنتزی تولیدی به تعداد دانه بیشتری شده و در نتیجه سهم هر دانه برای دریافت مواد فتوستنتزی کاهش یافته و در نتیجه چنین تعادلی، بین تیمارهای مختلف تفاوت معنی‌داری از لحاظ وزن هزار دانه دیده نشد (جدول ۳). این نتایج با یافته‌های جنز و همکاران (۲۲) و چاوی و ریچاریا (۱۲) مطابقت دارد.

استفاده از روش رگرسیون "پیش رو مرحله‌ای" نشان داد که

اثرات آرایش کاشت و تراکم بوته بر عملکرد و اجزای عملکرد بونج در اصفهان

جدول ۲- اثر فاصله ردیف و فاصله کپه بر تعداد پنجه در واحد سطح و در هر کپه در مراحل مختلف رشد

عواامل آزمایشی				
در زمان برداشت	۷۱ روز پس از نشاکاری	۱۰۰ در هر کپه	۴۹۲a در متر مربع	۱۰۰ در هر کپه
در هر کپه	در متر مربع	در هر کپه	در متر مربع	فاصله ردیف (سانتیمتر)
۱۰c	۴۹۲a	۱۰c	۵۱۷a	۱۵
۱۵b	۳۸۲b	۱۵b	۳۸۸b	۲۵
۱۶a	۳۲۱a	۱۹a	۳۶۰b	۳۵
فاصله کپه (سانتیمتر)				
۱۲b	۴۶۹a	۱۲b	۴۶۸a	۱۰
۱۵a	۳۸۵b	۱۷a	۴۱۶b	۱۵
۱۴b	۳۴۱c	۱۶a	۳۶۶c	۲۰

اعداد هر گروه در هر ستون که حداقل در یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت آماری براساس آزمون دانکن، در سطح احتمال ۵ درصد می باشند.

جدول ۳- اثر فاصله ردیف و فاصله کپه بر اجزای عملکرد، عملکرد دانه و شاخص برداشت بونج (رقم زاینده رود)

عواامل	تعداد خوشه	تعداد دانه در	درصد دانه	وزن هزار	عملکرد کپه	عملکرد دانه	شاخص	آزمایشی	در متر مربع	خوشه	خوشه	آزمایشی	در متر مربع	فاصله ردیف (سانتیمتر)
					(گرم در کپه)	(گرم در کپه)	(کیلوگرم در		دane کامل	های کامل	های کامل		هکتار)	
۰/۴۱b	۷۳۳۴a	۱۶c	۲۰/۹a	۸۵a	۸۸b	۴۸۳a	۱۵							
۰/۴۲ab	۶۱۹۳b	۲۳b	۲۰/۸a	۸۰a	۹۶b	۳۷۴b	۲۵							
۰/۴۶a	۶۰۲۲b	۳۱a	۲۰/۵a	۸۱a	۱۱۷a	۳۱۴c	۳۵							
فاصله کپه (سانتیمتر)														
۰/۴۲a	۶۷۵۱a	۱۶c	۲۰/۶a	۸۶a	۸۷b	۴۶۱a	۱۰							
۰/۴۵a	۶۷۶۸a	۲۴b	۲۰/۸a	۸۴ab	۱۰۵a	۳۷۶b	۱۵							
۰/۴۳a	۶۰۲۹a	۲۹a	۲۰/۷a	۸۲b	۱۰۹a	۳۳۴b	۲۰							

اعداد هر گروه در هر ستون که حداقل در یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت آماری براساس آزمون دانکن، در سطح احتمال ۵ درصد می باشند.

۱۵×۱۵ عملکرد کمتری را، اگر چه از لحاظ آماری معنی دار نبود، به دست آورد (شکل ۳). اضافه بر این، کاهش فواصل نشاکاری باعث افزایش هزینه تولید گردیده و از لحاظ اقتصادی (۱) و بازده انرژی (۴) مقرنون به صرفه نخواهد بود.

(۲۰) نیز حاکی از همین مطلب می باشد. در هر حال، کاهش بیش از حد فواصل کاشت موجب افزایش رقابت بین گیاهان گردیده و کاهش عملکرد را به دنبال خواهد داشت. در این آزمایش نیز تیمار ۱۵×۱۰ نسبت به تیمار

می باشد.

به نظر می رسد که کاهش فواصل نشاکاری و نزدیک شدن هر چه بیشتر به توزیع یکنواخت بوته ها در واحد سطح، به طور محسوسی موجب افزایش عملکرد خواهد شد و با توجه به نتایج به دست آمده از این آزمایش، احتمالاً فاصله کاشت ۱۵×۱۵ سانتیمتر (با وجود ۳ نشا در هر کپه)، عملکرد مطلوبی را به بار خواهد آورد. البته در روش کاشت نشاکاری دستی، عملی بودن کاهش فواصل کپه و همچنین افزایش هز بنه تولید ناشی از این عمل بایستی در قطعات تولیدی مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

### سپاسگزاری

بدین وسیله از آقایان دکتر خواجه پور و دکتر رضایی، که با ارائه نظرات سازنده خود ما را در تمامی مراحل این مطالعه یاری نمودند، کمال تشکر را می نماییم. همچنین از مسئولین مرکز تحقیقات کشاورزی استان اصفهان، به خاطر در اختیار گذاشتن پذر و از آقای مهندس قناعتی که در اجرای آزمایش زحماتی را متحمل شدند، ممنون و سپاسگزاریم.

همبستگی مثبت و قوی تعداد پنجه در زمان گرده افشاری با تعداد خوش در زمان برداشت ( $t = 98/0$ ) و با عملکرد ( $t = 48/0$ ) نیز دلیلی بود بر آنکه تعداد پنجه بیشتر، به شرط آنکه هر پنجه قادر به تولید حداقل یک خوش بارور باشد و گیاه نیز توانایی حمایت از خوشهای تولیدی را تا زمان رسیدگی داشته باشد، می تواند موجب افزایش عملکرد گردد. با این وجود همبستگی منفی و معنی دار تعداد خوش با عملکرد کپه ( $t = 77/0$ ، دلیلی بر رقابت بین پنجه ها برای جذب نور، دی اکسید کربن و مواد غذایی می باشد، که در گزارش جنز و همکاران (۲۲) به آن اشاره شده است.

با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می شود که موازنۀ بین دو جزء تعداد خوش و تعداد دانه در خوش مهترین عامل تعدیل عملکرد بوده و چنانچه بتوان با یک مدیریت زراعی صحیح، خصوصاً در مورد مقدار و زمان کوددهی، همگام با افزایش تراکم از افت تعداد دانه در خوشه جلوگیری نمود، عملکرد به طور قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت. گزارش ولک و همکاران (۲۸) و گراویس و هلمز (۱۷) نیز مؤید اهمیت این دو جزء عملکرد بوده، حاکی از آن است که شاخص پتانسیل عملکرد به مقدار زیادی تابع موازنۀ بین این دو جزء عملکرد

### منابع مورد استفاده

- ۱- باقری، م.م. ۱۳۷۳. بررسی اثرات تراکم بوته (فاصله کاشت نشا) در عملکرد برنج چمپا قصر الدشتی. چکیده مقالات سومین کنگره علوم وزراعت و اصلاح نباتات ایران، شهریور ماه ۷۳، دانشگاه تبریز.
- ۲- حسینی ایمنی. س.ص. ۱۳۷۵. بررسی اثرات تاریخ کاشت، تراکم بوته و نیاز ازته لاین های امیدبخش D۶-D۲. چکیده مقالات چهارمین کنگره علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، شهریور ۷۵، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- ۳- خواجه پور، م. ۱۳۶۹. اصول و مبانی زراعت. انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۴۱۲ صفحه.
- ۴- رجبزاده، م. ۱۳۷۵. کارآئی اترزی در مزارع تولید برنج استان اصفهان. چکیده مقالات چهارمین کنگره علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، شهریور ۷۵، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- ۵- سرمدنا، غ.ح. ۱۳۷۳. زراعت غلات (برنج). جزوء درسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- ۶- سرمدنا، غ.ح. و ع. کوچکی. ۱۳۷۲. فیزیولوژی گیاهان زراعی (ترجمه). انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۴۷۶ صفحه.
- ۷- شرفی، ن. و م. کاووسی. ۱۳۷۵. بررسی اثرات فاصله کاشت نشا و سطوح کودی در راندمان محصول لاین های امیدبخش (۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۳۸). چکیده مقالات چهارمین کنگره علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، شهریور ۷۵، دانشگاه صنعتی اصفهان.

- ۸- عابدی، ح. ۱۳۶۹. گزارش طرح بررسی اثرات تعداد نشا و فاصله کاشت بر روی ارقام خارجی و توده محلی برنج در اصفهان. گزارش‌های تحقیقی مرکز تحقیقات کشاورزی استان اصفهان.
- ۹- محمدی، م. ۱۳۷۵ بررسی اثرات فاصله کاشت نشا در عملکرد دو رقم برنج. چکیده مقالات چهارمین کنگره علوم و زراعت اصلاح نباتات ایران، شهریور ۷۵ دانشگاه صنعتی اصفهان.
- 10- Akkari, K.H., R.E. Talbert, J.A. Ferguson, J.T. Gilmour and K.Khodayari. 1986. Herbicides and seeding rates effects on sprinkler-irrigated rice. *Agron. J.* 78:927-929.
- 11- Board, J.E., M.L. peterson and E. Ng. 1980. Floret sterility in rice in a cool environment. *Agron. J.* 72: 483-487.
- 12- Chaubey, P.K. and A.K. Richharia. 1983. Genetic variability, correlation and path-coefficients in indica rice. *Indian J. Genet.* 53 (4): 356-360.
- 13- Counce, P.A. 1987. Asymptotic and parabolic yield and linear nutrient content responses to rice population density. *Agron. J.* 79:864-869.
- 14- Counce, P.A., K.A.K. Moldenhauere and D.B. Marx. 1989. Rice yield and plant yield variability responses to equidistant spacing. *Crop Sci.* 29: 175-179.
- 15- Fagad, S.O. and S.K.De Datta. 1971. Leaf area index, tillering capacity, and grain yield of tropical rice as affected by plant density and nitrogen level. *Agron. J.* 63:503-506.
- 16- Gilmour, J.T. 1985. Predicting rice grain yield from dry matter production at late tillering. *Agron.J.* 77:169-170.
- 17- Gravois, K.A. and R.S. Helms. 1992. Path analysis of rice yield and yield components as affected by seeding rate. *Agron. J.* 84:1-4.
- 18- Hargrove, T.R. 1990. Facts About the World's Most Important Cereal Crop, and Program for its Important. IRRI. Los Banos, Philippines.
- 19- International Rice Research Institutue. 1980. Descriptors for Rice. Rice Advisory Committe. Los Banos, Philippines.
- 20- Johnson, D.E., P.G. Lee and D. Wilmam. 1991. Experiments with upland rice in southern Belize : fertilizer application, weed control, plant spacing, sowing rate and variety. *J. Agric. Sci., Camb.* 116:201-215
- 21- Jones, D.B. and G.H. Snyder. 1987. Seeding rate and row spacing effects on yield and yield components of dril-seeded rice. *Agron. J.* 79:623-627.
- 22- Jones, D.B., M.L. Peterson and S. Geng. 1979. Association between grain filling and duration and yield components in rice. *Crop. Sci.* 19:641-644.
- 23- Kwanchai, A.G. 1972. Techniques for Field Experiments with Rice. International Rice Research Institute. Los Banos, Langna, Philippines.
- 24- Lin, S.S. and M.L. Peterson. 1975. Low temperature-induced floret sterility in rice. *Crop. Sci.* 15:657-660.
- 25- Miller, B.C., J.E. Hill and S.R. Roberts. 1991. Plant population effects on growth and yield in

- water-seeded rice. Agron. J. 83:291-297.
- 26- Pervaiz, A., A. Qayyum, and M.R. Akhtar. 1984. Economically optimal plant density at different levels of fertilizer use for irrigated rice in the Punjab. Pakistan. J.Agric. Res. 5 (2) : 71-77.
- 27- Singh, R.S. 1971. Response of three types of rice to variation levels of nitrogen and spacing. Indian J. Agric. Res. 5 (3): 185-189.
- 28- Vlek, P.L.G., C.W.Hong and L.J. Youngdahi. 1979. An analysis of N nutrition on yield and yield components for the improvement of rice fertilization in Korea. Agron. J.71: 829-833.
- 29- Wells, B.R. and W.F.Faw. 1978. Short-statured rice response to seeding and N rates. Agron. J. 70:477-480.